

مارا و بواسطه نوشتن تاریخ ساسانیان تاریخ ماوا خدمتی که سزاوار تعظیم  
میباشد نموده است.

۱۳۰۴

تهران اردیبهشت

محمود عرفان

## کلیده و دمنه

یکی از قدیمترین کتب ادبی و اخلاقی کتاب کلیده و دمنه  
است که تاکنون بهر يك از زبانهای مختلفه عالم چندین مرتبه ترجمه  
شده و هنوز هم فضیلتی جهان آن را بر اغلب کتب اخلاقی ترجیح داده  
و در بعضی از ممالک از قبیل مصر جزو کتب مدرسی ( کلاسیکی )  
قرار داده و در مدارس خود تدریس مینمایند :

واقعا جای بسی حیرت است کتابیکه هنوز مردم نتوانسته اند  
تاریخ صحیحی برای زمان و سبب تألیف آن بدست آورده و نام  
مؤلفش را بخوبی بدانند امروز یکی از بهترین کتب اخلاقی  
شمار رفته و توالی قرون چوین است حکام و پادشاهان آن نیفزوده  
است .

چقدر بزرگ بوده است آن شخصی که این افکار از مغز او تراوش  
کرده و این سطور باسر انگشت او نگارش یافته است

### مؤلف کتاب

برخی از فضیلتی عرب را عقیده بر این است که این کتاب از منشآت خود  
این مقفح بوده و بدلائیل ذیل ترجمه نیست  
( ۱ ) اگر راست است که این مقفح کلیده و دمنه را از فارسی  
ترجمه کرده و بر زویه نام ( چنانکه این مقفح میگوید ) از هندی  
فارسی ترجمه نموده است چرا هیچ يك از دو اصل فارسی و هندی  
در میان نیست ؟

( ۲ ) سلاست لفظ وسبك انشاء و قشنگی عبارت کتاب که هیچ استشمام ترجمه از آن نمیشود بکلی این ادعا را سست نشان داده و هر کس در ادبیات عربی دارای ذوق و سلیقه سلیمی باشد تصدیق خواهد نمود که عبارت کلیله و دمنه ترجمه نیست و تمام معانی و اسالیبی که در این کتاب بکار رفته همان اسلوب معانی است که در بین اعراب موجود بوده و در هیچ جای آن يك ترکیب رکیک یا اصطلاح غربی دیده نمیشود

این عقیده خرد خرد میرفت که نزد اغلب متبعین عالم مورد قبول واقع شده و حکایت رفتن طبیب ایرانی بهند و آوردن کلیله و دمنه که ماخذش فقط کلیله و دمنه این مقفع بود مثل سایر حکایات آن از وضع این نویسندگانی که دست حساب شود ولی همت مستشرقین اروپا بیش از این نکند است حقیقت در پشت پرده خفاء مستور بماند .

یعنی پس از تتبع و کنجکاوی زیاد ( ۱ ) فهمیدند که حقیقت همان است که خود این مقفع نوشته و اصل این کتاب بزبان سنسکریتی بوده و در عهد نوشیروان برزویه نام آن را بفارسی ترجمه نموده و این مقفع از فارسی به عربی ترجمه کرده است ولی تعجب در اینجا است که امروز نه اصل سنسکریتی و نه اصل فارسی هیچ يك موجود نیست و این کلیله و دمنه هائی که بالسنه مختلفه در عالم موجود است حتی فارسی و هندی آن از عربی ترجمه شده و چنانکه ذکر شد این خود یکی از دلایل قویة اعراب است که کلیله و دمنه ترجمه نیست

لیکن مستشرقین اروپا برای بدست آوردن اصل آن کمر همت بسته و اگر چه اصل کتاب را بدست نیاوردند ولی حکایت های آنرا در کتب متفرقه قدیم هندی پیدا کرده و از این نقطه نظر ( نبضی ) آلمانی که بیش از سایر مستشرقین راجع بتاریخ کلیله و دمنه زحمت



کشیده است میگوید (برزویه) کلیله را از يك کتاب معینی ترجمه نکرده بلکه آن را از بطون کتب مختلفه استخراج نموده و باین اسم معروف ساخته و اگر يك کتابی هم باین اسم وجود داشته تا آن وقت از بین رفته است

### ترجمه تبتی کلیله و دمنه

نخستین ترجمه که از کلیله و دمنه شده بزبان تبتی بوده ولی این نسخه را نیز دست حوادث از بین برده و فقط يك قسمت آنرا یکی از مستشرقین بدست آورده و با دلایل و قراینی فهمیده اند که این ترجمه قبل از ترجمه ای است که بزبان بهلوی منتشر گردید است.

### ترجمه بهلوی

راجع به ترجمه بهلوی چون این مفسح کلاما شرح داده و حکیم فردوسی نیز در شاهنامه حکایت رفتن طبیب ایرانی به هند و آوردن کلیله و دمنه را بیان کرده از شرح آن خود داری مینمائیم

### ترجمه سریانی

پیش از این تصور میفرستادیم که نسخه عربی اولین نسخه است که از بهلوی ترجمه شده ولی اخیرا يك نسخه سریانی بدست آمده و از قراین و دلایل مفهوم میشود که این نسخه مستقیما (۱۲) و قبل از نسخه عربی از زبان بهلوی ترجمه شده و مترجم آن يك نفر مسیحی است (بود نام) که بر مسیحیان ایران و هند يك نوع ریاست داشته و آنرا (فلیلج و دمنیج) نام گذاشته است

اخیرا یکی از مستشرقین این نسخه را پیدا کرده و در سال ۱۸۷۶ در مطبعه لیبسیک با ترجمه آلمانی طبع نموده ولی این کتاب فقط دارای ده باب است.

### ترجمه عربی

مهمترین ترجمه های این کتاب همان ترجمه عربی است زیرا این نسخه یگانه اصلی است که نویسندگان مال مستقیما و یا بواسطه بالسنه خود ترجمه نموده اند

این کتاب را عبد الله ابن مقفع نویسنده مشهور عرب بزبان عربی ترجمه کرده در یکی از کتبی که راجع بتاریخ خط عربی بود ( و اکنون اسمش را فراموش نموده ام ) دیدم که کلیه و دمنه اولین کتابی است که بعد از قرآن مجید تدوین شده و بصورت کتاب در آمده است .. این مقفع اصلا ایرانی و زردشتی مذهب بوده ولی اخیرا مسلمان شده و مدتی منشی عیسی بن علی عباس بوده و سپس در خدمت منصور خلیفه همان سمت را داشته و در ۱۴۳ در بصره بقتل رسیده است . این شخص همان قسم که در زبان مادری خود متضلع بوده است بزرگترین نویسندگان و بلغای عرب شمار رفته و انشاء هر سل یعنی سهل و ساده و روان زاده قریحه بینظیر او است و او اول کسی است که منشآت و آثارش تدوین شده و محفوظ مانده است ( ۳ )

این مقفع چندین کتاب از زبان پهلوی به عربی ترجمه نموده و یکی از آنها کلیه و دمنه است . ظهور این کتاب روح جدیدی در نثر عربی دمیده و مردم فوق العاده بخواندن آن رغبت نمودند و این مسئله حسد رقباى این مقفع را بجنبش آورده و بعضی دوباره کتاب مزبور را از فارسی ترجمه نمودند

عبد الله ابن هلال اهوازی اول کسی است که دوباره بترجمه آن پرداخته و در سنه ۱۶۵ با تمام رسانیده او بنام یحیی ابن خالد برمکی مصدر نمود

( ۱ ) ماخذ این اطلاعات مجله الهلال و تاریخ اداب اللغة العربیه

تالیف جرجی زیدان میباشد

( ۲ ) این نسخه غیر از نسخه سریانی است که متداول و مشهور است زیرا آن نسخه مشهور از عربی ترجمه شده

( ۳ ) تاریخ ادبیات عربی قبل از مؤلفات او کتاب های دیگری

را نام میبرد ولی این قسمت از تاریخ ادبیات عربی به تئوری بیشتر شبیه است و کتبی که مؤلفینش قبل از این مقفع میزیسته اند بعد بروایت

تدوین شده است



سهل بن نوبخت ترجمه ابن هلال را با مریحی مزبور منظوم ساخته و هزار دینار صلہ دریافت نمود

سهل بن هرون نیز کتابی را بطرز کلیله و دمنه تالیف کرده و به مامون عباس تقدیم نمود ولی دست روزگار تمام اینها را از بین برد و بموجب ناموس بقای اصلاح فقط کلیله و دمنه این مقفع باقی مانده و هنوز مثل يك دانه الماس برفرق عروس ادبیات عربی میدرخشد

اصل این کتاب دوازده باب بیشتر نبوده و برزویه سه باب بر آن افزوده و عبدالله بن مقفع آن را بیست و يك باب رسانیده است ولی از نسخه های مطبوع قدیمی حذف شده و من در احساء يك نسخه خطی خیلی قدیمی را دیدم که با نسخه های مطبوع تفاوت داشت

اولین مرتبه که نسخه عربی طبع شده است قسمتی است که ( شولتنس ) مستشرق هولندی در سنه ۱۷۸۶ طبع و منتشر ساخته ولی این قسمت فقط مشتمل بر باب شیرو و رواه بوده و ( دی ساسی ) مستشرق معروف فرانسوی در سنه ۱۸۱۶ کلیله آن را بطبع رسانیده و فصلی راجع بلغاتی که تا کنون کلیله و دمنه بدانها ترجمه شده بر آن افزوده است

سپس مکرر در مصر بطبع رسیده و بهترین نسخه های مطبوع نسخه است که خلیل یازجی در سال ۱۸۸۸ در بیروت طبع و نسخه هایی که امروز در مدارس مصر تدریس میشود از روی همان نسخه طبع شده است

### لغاتی که نسخه عربی واسطه نقل بدانها بوده

چنانکه در فوق اشاره شد اصل سنسکریتی از بین رفته و ترجمه بهلوی هم مفقود گردیده و نسخه تبتی نیز بدست نیامده و از نسخه سریانی که مستقیماً از بهلوی ترجمه شده نیز اثری باقی نمانده و فقط ترجمه عربی در دسترس مردم بوده و این نسخه واسطه نقل این کتاب سایر زبانهای عالم بوده است

نسخه هائیکه مستقیماً از عربی ترجمه شده قرار ذیل است

۱ - ترجمه سریانی ( دوس ) در قرن دهم میلادی

۲ -	«یونانی»	۱۰۸۰ «
۳ -	فارسی	۱۱۲۰ «
۴ -	«عبری»	«قرن ۱۳ میلادی»
۵ -	باز هم عبری	
۶	لاتینی	«قرن ۱۳»
۷	اسپانی	«۱۲۵۱»
۸	مقلی	
۹	انگلیسی	«۱۸۱۹»
۱۰	روسی	«۱۸۸۹»

اینها نسخه هستند که مستقیماً از عربی ترجمه شده است و از آنها بزبانهای دیگر از قبیل ترکی، آلمانی، دانمارکی، هولندی و غیره ترجمه شده و در بعضی از این لغات چند مرتبه ترجمه گردیده است.

ترجمه سریانی دوم (۲) - این نسخه در بین قرن هشتم تا سیزدهم میلادی بقلم یکی از روحانیین مسیحی ترجمه شده ولی مترجم نه اسم خود و نه تاریخ ترجمه کتاب هیچ يك را ذکر نکرده و یکی از مستشرقین انگلیس این نسخه را بزبان انگلیسی ترجمه کرده و يك مقدمه مفصلی راجع بتاریخ کتاب بر آن نوشته و در سال ۱۸۷۵ آنرا طبع و منتشر گشته است.

ترجمه یونانی - در قرن ۱۰۸۰ سومان بن شیت نامی این کتاب را بزبان یونانی ترجمه کرده و سپس مفقود گردید ولی اخیراً يك نفر کشیش (پطرس بوسینوس) نام، آن را یافته و بزبان لاتینی ترجمه نموده و هر دو را با هم طبع و منتشر ساخته است. در سنه ۱۶۹۷ يك مرتبه دیگر این کتاب یونانی و از یونانی (بقلم ستارک نامی) ترجمه شده و در هامبورگ منتشر گردید. ترجمه های قدیم ایتالی و اسلاوی از این نسخه است و از آنجا که کلیاه و دمنه چندین بار باین دو زبان (ایتالی و اسلاوی) ترجمه گردیده این دو نسخه را ترجمه قدیم میگویند.

ترجمه نسخه اولی یعنی ایتالی يك مرتبه بتاریخ ۱۵۱۳ و بار

(۱) برای اینکه اولی مستقیماً از بهاوی ترجمه شده



دیگر در سنه ۱۸۷۲ انتشار یافته و ترجمه قدیم اسلاوی ۱۸۷۷ در لنین  
 گراد بطبع رسیده است.  
 در فارسی به قدیمترین ترجمه های فارسی نسخه ایست که در  
 سوم هجری بامر امیر نصر سامانی ترجمه شده و رودکی شاعر شهیر  
 آن را برشته نظم کشیده است. این نسخه هنوز بطبع نرسیده و یک  
 نسخه خطی آن در کتابخانه پاریس موجود است (دی ساسی ایک  
 مقاله دی راج ۲۴ باین نسخه نوشته و معتقد است که در حد  
 ۱۵۱۵ ترجمه شده).

بعد از این نسخه . نسخه ایست که بقلم ابوالمعالی نصرالله بن محمد  
 بن عبد الحمید و بامر بهرامشاه غزنوی نگارش یافته و از نسخه های  
 دیگر فارسی قدیمتر است و انوار سهیلی از این نسخه خلاصه شده  
 است .

ترجمه ترکی به در عهد سلطنت سایمان خان قازونی ( ۱۵۲۰ -  
 ۱۵۶۶ ) علی ابن صالح معروف عجبلی و منقب امیرک الواسع عیسی  
 انوار سهیلی را ترکی ترجمه نموده و همایون نامه نهاد. این نسخه  
 بواسطه اینکه فرانسوی و اسپانی ترجمه گردیده است دارای شهرت  
 بسیاری است.

ترجمه فرانسوی بقام (غلان) نام ابتدا شده و بیست (کاردون)  
 نام با تمام رسیده و در سنه ۱۷۲۴ در پاریس طبع شده و نسخه اسپانی در  
 بین ۱۶۵۲ - ۱۵۵۸ انتشار یافته

ترجمه عبری - کلیله و دمنه دو مرتبه مستقیماً عبری ترجمه  
 شده و یکی از این دو نسخه که ( کابوا ) به لاتینی ترجمه کرده  
 بواسطه اینکه باغلب زبانهای اروپا ترجمه شده در تاریخ این کتاب دارای  
 اهمیت بسیاری است .

تاریخ ترجمه این نسخه معلوم نیست ولی گویا در حدود ۱۲۵۰  
 باشد .

بدفعات قسمتهائی از آن بطبع رسیده و اخیراً - ۱۸۸۱ -  
 نسخه کامل آن با ترجمه فرانسوی در پاریس بطبع رسیده است

نسخه دیگری که در این زبان موجود است بقلم یعقوب بن عازر یکی از نویسندگان قرن سیزدهم نگارش یافته است

ترجمه لاتینی و نسخه هائی که از لاتینی ترجمه شده - ترجمه لاتینی يك دفعه در قرن ۱۵ و اخیراً در ۱۸۸۴ انتشار یافته . . . . در ۱۴۸۰ از لاتینی به آلمانی و ۱۴۹۳ از آلمانی به اسپانی و در ۱۵۵۲ همین نسخه ( اسپانی ) به ایتالیائی ترجمه شده و يك نسخه آن در کتابخانه کامبریج موجود است . نیز از نسخه آلمانی به دانمارکی (۱۶۱۸) و هولندی ( ۱۶۲۳ ) نقل گردیده و از نسخه ایتالیائی مزبور با انگلیس ترجمه گردید ( ۱۶۰۱ )

نسخه های فوق الذکر چندین مرتبه بلغات مختلف ترجمه شده و ما از ذکر آنها خودداری نمودیم

نسخه منظوم لاتینی - يك نسخه منظوم لاتینی نیز موجود است که در قرن ۱۳ مستقیماً از عربی ترجمه شده است

ترجمه قدیم اسپانی - اسپانیولها در ضمن کتبی که از عربی ترجمه نمودند کلیله و دمنه را نیز نقل کرده همین نسخه نیز به لغات مختلفه نقل گردیده است که علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ترجمه انگلیسی - مقصود نسخه ایست که راسا از عربی ترجمه شده و در سنه ۱۸۱۹ در آکسفورد بطبع رسیده است دکتر فاندیک چندی بعد طبع این نسخه را تجدید کرده و در بین شاگردان خود در بیروت تقسیم نمود

ترجمه روسی - آخرین نسخه که مستقیماً از عربی يك زبان اروپائی ترجمه شده این نسخه است این نسخه بقلم میخائیل عطایانام نگارش یافته و در ۱۸۸۹ در مسکو بطبع رسیده است

غیر از این لغات کلیله و دمنه بلغات دیگر از قبیل حبشی ارمنی و غیره نیز ترجمه گردیده است